

زوایای واقعی نهضت تعاون

○ مرضیه شارقى

اشاره:

دکتر ابراهیم رزاقی استاد دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران یکی از صاحب نظران اقتصادی کشور می باشند که علاقه وافری به نهضت تعاون داشته و دارند. صراحت در بیان مشکلات بخش تعاون یکی از خصایص و ویژگی های قابل تأمل و تقدیر می باشد که ایشان را در نزد تعاونگران بیش از پیش محبوب نموده است. از اینرو ماهنامه تعاون در این شماره بر آن شد تا گفتگویی با ایشان در ارتباط با ابعاد و چگونگی وضعیت و عملکرد بخش تعاون ترتیب دهد. آنچه در پی می خوانید حاصل گفتگوی ماهنامه تعاون با ایشان می باشد.

■ آقای دکتر شما تعاونی را از چه زاویه ای نگاه می کنید؟

○ وقتی از تعاون سخن می گویم اهداف مختلف اقتصادی در پی دارد و اگر اهداف اقتصادی نداشته باشد اسم دیگری برایش انتخاب می کردیم مثل مؤسسات نیکوکاری و کاری که این مؤسسات انجام می دهند. اما نکته ای که باید بدان توجه کرد این است که گرچه شکل اقتصادی تعاون مهم است اما باید روحیه دموکراسی و آزاد منشی در تعاونی ها خیلی برجسته باشد. در تعاونی افرادی که در زمینه های مختلف اهداف مشترکی دارند گرد هم می آیند و به خاطر منافع جمعی و نه منافع فردی و به دور از حرکات و احساسات خود خواهانه و با یاری و برابری با یکدیگر همراهی و همکاری می کنند و به نیازها و اهدافشان پاسخ می دهند.

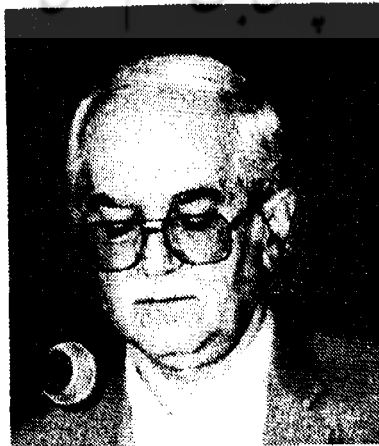
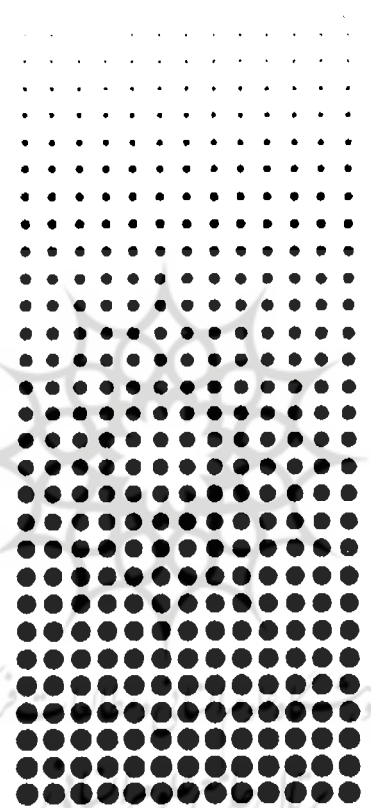
تعاونی محلی است برای تمرین دموکراسی، در جامعه ای مثل جامعه ما که از دیر باز مشکل تاریخی دارد و به خصوص در این چند ساله، اکثر افراد منفعلانه عمل می کنند و سرنوشتشان به طور فردی جلو می رود و نه جمعی. و زمانی که فرد با نیروی فردی جلو برود تابع نیرو و قدرت بالاتر است و به خاطر همین جلب نظر قدرت بالاتر هدف اصلی است و فرد به ناچار برای این کار به وسایلی از قبیل ظاهر سازی، تملق و چاپلوسی متوسل می شود و در نهایت

امکان بروز خلاقیتها بسیار کم است. در جامعه امروز با توجه به پیچیده شدن شرایط تولید و توزیع و در شرایطی که کیفیت مهم است نه کمیت و انگیزه قوی مورد نیاز است فرد در قالب تعاونی می تواند به این انگیزه دست پیدا کرده و در محیط کار تمرین دموکراسی کند. الآن در جاهایی که تعاونی سنتی وجود دارد در صحراها و روستاها شاهد چنین روحیه ای هستیم.

تعاون نباید در دامان سرمایه داری بیفتد و دچار شکنندگی شود و مراکز تعاونی همیشه نیاز به افرادی دارند که مسئولیت پذیر باشند. برای این که این مشکلات پیش نیاید مجبور هستیم طوری دیگر به قضیه نگاه کنیم و من فکر می کنم مثل خیلی دیگر از مسائل ما تعاونی ها را هم به طور تقلیدی از غرب گرفته ایم یعنی فکر کردیم که در ایران تعاونی وجود نداشته و اگر هم وجود داشته عملی نبوده است!

بنابراین کلمه «عملی نبودن» را گرفته و تجربه عظیم تاریخی خویش را فراموش می کنیم در حالی که ما می توانستیم آن چه را که دستاورد تعاونی های غرب است با تعاونی های سنتی که در ایران بوده به هم نزدیک کنیم.

بدین ترتیب آن چه را که در غرب وجود داشته می باید در بستر آن چه که در خود ایران هست قرار دهیم. به عبارتی لباس ایرانی بپوشانیم و آن را به تجربه



غرب مجهز کنیم. اما متأسفانه چنین کاری نکردیم و از هم گسیختگی ایجاد شد. متأسفانه وقتی ما می‌گوییم «تعاونی» هم مسئولین و هم کسانی که می‌خواهند عضو آن شوند آن را یک چیز جدید غربی که ربطی به تجربه قبلی ما ندارد تصور می‌کنند.

■ پس به نظر شما تعاونی ریشه عمیقی در فرهنگ ما دارد؟

○ قطعاً همین طور است مثلاً همین تعاونی توزیع

شیر و یا تعاونی توزیع آب از قدیم الایام در جامعه ما وجود داشته‌اند اما با اسم و عنوان دیگری مانند همیاری و یاریگری بطوریکه از نظر محتوایی یک عده جمع می‌شدند و یک هدف معین اقتصادی را که به نفع جمع است انجام می‌دادند. کبوترخانه‌ها نمونه خوبی از این همکاری است که به صورت جمعی از آن استفاده می‌شد و حتی کود حیوانی حاصله را هم جمعی استفاده می‌کردند. به نظر می‌رسد ما تجربه زیادی در این زمینه داریم. اما ما هنوز نتوانسته‌ایم از این تجربه عظیم استفاده کنیم و ریشه‌های قدیمی و جدید را با هم عجین کنیم تا مردم تعاون را راحت‌تر بپذیرند.

شاید کسانی که تعاون را برگرفته از غرب می‌دانند با تعاون به شکل سنتی آن در ایران آشنا نیستند و یا آن را خارج از توان فکری مردم ایران می‌دانند.

در قدیم، فضای خانواده‌های شهری و روستایی به گونه‌ای بود که پس اندازی جمع آوری می‌کردند و دست آخر آن را به کسی که نیاز داشت می‌دادند و آن نزدیکی افراد با یکدیگر ضامن چنین کاری بود اما همیشه نمی‌توان به این تکیه کرد. غربی‌ها آمدند و برای آن چارچوب ایجاد کردند. آن را قانونمند ساختند که در پاره‌ای قسمت‌ها با فرهنگ ایران مطابقت ندارد که البته می‌تواند با سنت ایرانی در

هم بیامیزد.

■ همان طور که از سخنان شما بر می‌آید بستر تعاونی در ایران آماده است اما ما هنوز نتوانسته‌ایم از این شرایط بهره لازم را ببریم. به نظر شما چه مشکلات

بعد از جنگ متأسفانه چیزی که به شدت به تعاونی آسیب رساند و آن را با بحران مواجه کرد رواج روحیه سود پرستی بود. ما روحیه سود پرستی را رواج دادیم که کاملاً منافی با روحیه تعاونی بود.

دیگری در این زمینه وجود دارد و چه راهکارهایی می‌توان برای آن ایجاد کرد؟

○ در دوره انقلاب و در زمان جنگ روحیه تعاونی افزایش پیدا کرده بود به این معنا که شعار «زیاد دنبال سود نباش» از آن زمان در بین مردم رواج داشت و در همین فضا نیز تعاونی‌ها زمینه بیشتری برای شکل گرفتن و فعالیت داشتند که شاهد بودیم تعاونی‌هایی از قبیل مصرف، تولیدو... در آن زمان همه افراد بدون آن که نیازی به گفتن باشد حمایت می‌کردند، تعاونی عجیب به نیکوکاری نزدیک شده بود!

اما بعد از جنگ متأسفانه چیزی که به شدت به تعاونی آسیب رساند و آن را با بحران مواجه کرد رواج روحیه سود پرستی بود. ما روحیه سود پرستی را رواج دادیم که کاملاً منافی با روحیه تعاونی بود.

خطر سوء استفاده از قدرت تعاونی را تهدید می‌کرد. آن مدیر تعاونی که سود را عادلانه بین اعضا تقسیم می‌کرد بعدها هرگز این کار را نکرد و کالاهای اساسی را اختلاف قیمتشان در بازار زیاد بود برای خود و دوستان و آشنایانش بر می‌داشت و بدین‌گونه آنان کالاهایی با کیفیتی پایین را در تسعونی‌ها تسووزیع می‌کردند و می‌فروختند. از این قبیل موارد زیاد اتفاق افتاد و این در شرایطی بود که مردم هم از

نظر سیاسی منفعل شدند!

مردم در دوره اول بسیار فعال بودند و روحیه ایثارگری داشتند و اگر با چنین خلفایی مواجه می‌شدند به شدت برخورد می‌کردند اما در دوره دوم همه منفعل شدند و وجود این

خلافها را عادی

می‌دیدند و مواردی از

قبیل اخراج از کار و

پرونده سازی نیز شرایط

را برای مدیران

مناسب‌تر می‌کرد و

دستشان را باز گذاشت و به تدریج که چند تن از مدیران خطا کردند و دادگستری هم به این خلافها یا رسیدگی نکرد و یا خیلی دیر رسیدگی کرد شرایط برای رواج انواع فساد فراهم شد.

بنابراین در این فضای انفعالی تعاونی دیگر محتوای خودش را از دست می‌دهد. اعضای تعاونی فکر می‌کنند تنها عضو ظاهری شرکت هستند که یک سهامی خریده و هیچ کاری نمی‌توانند بکنند و یا مثلاً مجبورند آن چیزهایی را که در فروشگاه هست یا بخرند و یا هیچی. حتی کار به جایی رسید که تعاونی‌های مصرف مکانهای خود را به بخش خصوصی اجاره دادند!

از طرف دیگر تعاونی‌ها به فضاهای فرهنگی-روانی و اداری-وفضایی احتیاج دارند که به خلافها و سوء استفاده‌های موجود در آنها رسیدگی شود.

برای جلوگیری از چنین سوء استفاده‌هایی در درجه اول اعضا باید در سرنوشت خود دخالت کنند و احساس کنند سرمایه‌ای که گذاشته‌اند باید با چنگ و دندان آن را حفظ کرد و فرهنگ اعتبار تعاونی را قوام بخشند. اما متأسفانه جریان روشنفکری در جامعه ما اساساً این جنبه را که دموکراسی در تعاونی می‌باید به مردم یاد داده شود قبول ندارند. دموکراسی باید عملی باشد تا مردم در

سرنوشتشان دخالت کنند. در درجه دوم باید از دستگاه قضایی بخواهیم که خاطیان را متناسب با جرمی که مرتکب شده‌اند مجازات کند. هم شدت و تناسب مجازات با جرم و هم زمان آن بسیار مهم است تا همه اعضا باور کنند که عدالت رعایت شده است.

اعضاء تعاونی باید فعال باشند و به موقع دستگاه قضایی را در جریان سوء استفاده‌ها قرار بدهند. هیأت مدیره باید از بین افراد پاکدامن و صادق انتخاب شوند و

نباید عضویشان را زیاد تکرار کنند، تا ارتباطشان کنترل شود و در صورت ارتکاب هرگونه خطایی به آنها اخطار داده شود.

راهکار دیگری که می‌توان بدان اشاره کرد این است که وزارت تعاون یک دستگاهی به صورت نیمه قضایی به وجود آورد که به سرعت در تعاونی دخالت کند. این دستگاه باید با قدرتی که دارد افراد سوء استفاده چپی را شناسایی و معرفی کند و آنها را تحویل دستگاههای قضایی بدهد. به نظر می‌رسد در چنین فضایی تعاونی می‌تواند رشد کند و پا بگیرد البته این بخش فرهنگی - اجتماعی تعاون است.

اما در بخش اقتصادی نیاز به تقویت ایده اقتصادی در قانون اساسی دارد در قانون اساسی بخش تعاونی بعداز بخش دولتی قرار داده شده ولی متأسفانه فضا سازی لازم صورت نگرفته است. اعتبار بانکها برای تعاونی‌ها بسیار پایین است و به هیچ وجه عادلانه نیست. دولت باید برای رشد تعاونی‌ها در مرحله آغازین از طریق مشکل شدن و تخصیص اعتبارات لازم تدابیری بیاندیشد. تدابیری از قبیل شناسایی و افزایش توان تعاونی‌ها، دخالت دادن تعاونی‌ها، همبسته کردن و کمک کردن به آنها برای خریدهای اعتباری

مهم‌ترین کاری است که می‌توان به لحاظ پشتیبانی انجام داد.

طبیعتاً برای رسیدن به این مرحله یا باید بانکها وام بدهند و یا اگر وام نمی‌دهند تولیدکنندگان بزرگ با تضمینی که بانکها می‌کنند به تعاونیها اعتبار بدهند.

در کشورهای صنعتی اقتصاد آنها با خصوصی سازی پیش نمی‌رود. آلمان، آمریکا، سوئد، نروژ، فرانسه، انگلیس و... اقتصادشان به ویژه از نظر اشتغال وابسته به تعاونی است.

نکنه بسیار مهمی که در این جا مطرح است این است که بخش خصوصی در اقتصاد همانند بخش دولتی با تعاونی‌ها مبارزات غیر رقابتی و نابودگرایانه می‌کنند یعنی موافق رشد تعاونی‌ها نیستند!

دولت احساس می‌کند با رشد تعاونی جلوی دیکتاتوری و خودکامگی‌ها گرفته می‌شود ولی دولت با یک جمع رویرو است که سیستم اقتصادی را زیر سؤال می‌برند.

مع الوصف امروزه صحبت کردن از حقوق جمعی و دموکراسی تنها یک ژست سیاسی است. وقتی بخش دولتی این چنین مخالف با رشد تعاونی است تکلیف بخش خصوصی مشخص است چرا که حداکثر سود هدف اصلی است و این مطلب یک حرکت انحصاری در اقتصاد پیاده می‌کند تا از طریق آن هم تولیدکننده و هم مصرف کننده را مورد سوء استفاده قرار دهد.

بخش خصوصی هم زیر فشار است اما امکاناتی دارد که از طریق آن می‌تواند جلوی بسیاری از شکستها را بگیرد مثلاً پرداخت حداقل مزد به کارگر، تعدیل نیرو و ... ولی یک تعاونی چنین راهکارهایی ندارد و در نتیجه شکنندگی ایجاد می‌شود پس بخشی از توزیع مخالف

بخش تولید تعاونی است. و از همه مهمتر بخش توزیع صد در صد مخالف بخش توزیع تعاونی‌هاست چرا که در بخش توزیع تعاونی‌ها خرید کالا از تولیدکننده اصلی و فروش به مصرف کننده بدون حضور دلالان و واسطه با سود کم مد نظر است. از همین رو بخش دلالی با آن موافق

نیست و به تعاون به چشم یک رقیب نگاه می‌کند.

اعضای تعاونی‌ها بسیار منفعلند و بعضی اوقات امیدوی به بازگشت سرمایه شان ندارند. به نظر می‌آید تغییر این شرایط نیز مؤثر

خواهد بود. باید زمینه برای بازآموزی فرهنگی تعاون فراهم شود. احتیاج به یک سری کارهای فکری و تبلیغاتی است. نویسندگان و آدمهای صاحب نظر در این زمینه بیشتر باید قلم بزنند تا این فرهنگ را جا بیاندازند.

■ در یک تحقیقی که در مورد تحلیل محتوای مطالب تعاون در مطبوعات صورت گرفت مشخص شد ۹۸ درصد مطالب تعاون را اخبار تشکیل می‌دادند یعنی بیشتر مطالب رویداد مدار بوده‌اند تا موضوع مدار و این نشان می‌دهد که محقق تعاونی در کشور ما بسیار کم است، نظر شما در این مورد چیست؟

○ دلیل اصلی این است که ما تعاون را به عنوان یک رشته انتخاب کرده‌ایم و از بیرون آورده‌ایم و به صورت تقلیدی استفاده کرده‌ایم. می‌آموزیم بدون این که به زندگی ارتباط دهیم. روح دموکراسی در آن نیست، ما باید در همان خانه مان نیز تعاونی به راه بیاندازیم و با افراد خانواده روابط تعاونی داشته باشیم. وقتی تعاونی این طور جا افتاد و با زندگی من عجین شد آن وقت می‌توان استبداد زدایی کرد و امیدوار به برقراری عدالت شد. اما متأسفانه این باور در کشور ما وجود ندارد و به نظر می‌آید تعاون یک امر حاشیه‌ای

حتی در حال حاضر که اشتغال در کشور بسیار حائز اهمیت است خیلی به تعاون بهایی داده نمی‌شود و بیشتر صحبتها پیرامون خصوصی سازی است!

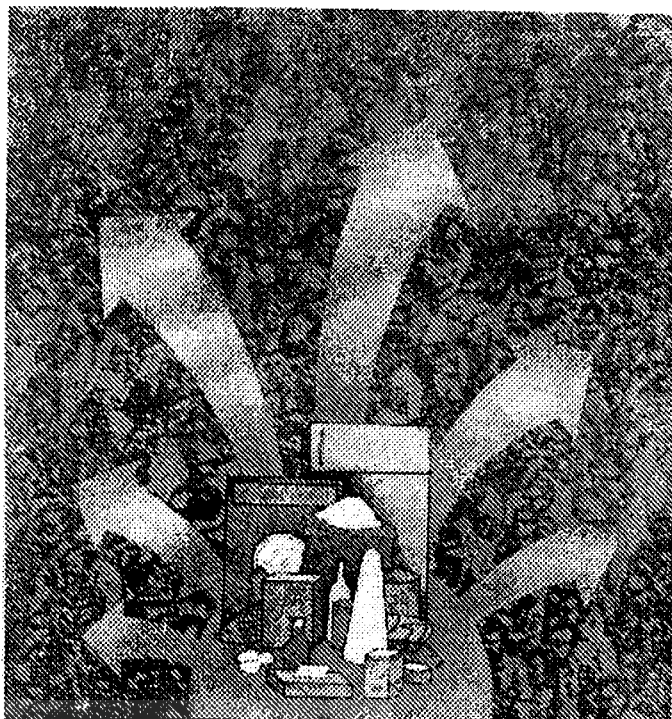
در حالی که به نظر من تعاونی در کشور ما مفیدتر است مثلاً در زمینه اشتغال که فعلاً مهم‌ترین دغدغه ما است بخش تعاون قادر به ایجاد ۴۰۰،۳۰۰ هزار فرصت اشتغال است و برای این کار کم‌ترین سرمایه را هم می‌خواهد ولی البته هنوز تا نقطه مطلوب خیلی فاصله دارد و موانع زیادی پیش رو است. مثلاً الآن سیستم تعاونی‌های مصرف و توزیع در کشور خیلی نابسامان است. برای این که تعاون موفق شود مجبور است تعاونی‌های مصرف و توزیع را فعال کند اگر اقتصاد تعاونی تولید رشد کند باید بخش توزیع که در کشور وجود دارد و دارد نابودش می‌کند با آن هماهنگ شود و حال اگر یک بخش توزیع به کمک این بخش تولید تعاونی

بباید ارتباط متقابل برقرار می‌شود. اگر از این دید به قضیه بنگریم مجبوریم که مجموعه را ببینیم. در بلند مدت تشکلهای تعاونی و سیاسی تعاونی ایجاد شود. اعضای که قسم خورده تعاونی‌های هستند.

برای این کار باید دانشکده‌های تعاونی به وجود آورد اما متأسفانه حتی دانشکده علوم اجتماعی نیز قصد دارد این رشته را منحل کند!

چرا این اتفاق می‌افتد؟ چون فضای علمی موجود فضای تعاونی نیست ضمن این که همه فقط حرف می‌زنند. خوب در اینجا یک سؤال اساسی مطرح می‌شود و آن این که چرا تا سال ۱۳۷۰، وزارت تعاون ایجاد نشد؟ و چرا در طول این مدت کوتاه صحبت بر سر این است که باید ادغام شود.

■ شما وجود وزارت تعاون را مثبت می‌دانید؟
○ مسلماً مثبت است و وجودش بهتر



بوده‌اند یا عموماً سوء استفاده کردند و یا با سستی و کاهلی و تحویل ندادن مدیریت تعاونی به افراد شایسته تعاونی را به شکست کشاندند.

اوایل انقلاب برای یک دوره بسیار کوتاه تعاونی‌های مصرف رشد کردند اما بعد بازار و بازاری در تعاونی‌ها نفوذ کردند و هیأت مدیره تعاونی‌ها را به دست گرفتند و این اعضاء شروع کردند به سوء استفاده از طرق مختلف متأسفانه دولت به موقع عمل نکرد و جلوی فساد را نگرفت.

■ با توجه به این که بخش تعاونی باید تأمین کننده ۳۳ درصد تولید ناخالص ملی کشور باشد اما تنها موفق شده ۵ درصد از این میزان را تأمین کند شما تا چه حد به اقتصاد تعاونی در ایران امیدوار هستید به عبارت دیگر چشم انداز آینده تعاونی را در کشور چگونه می‌بینید؟

○ اگر همین شکل و با همین شرایط ادامه بدهیم مسلماً راه به جایی نخواهیم برد بلکه باید از نو نگرشها را تغییر داد.

است.

■ ما بارها در سخنان مقام معظم رهبری و آقای رئیس جمهور شاهد حمایت از تعاون در کشور بوده‌ایم اما به نظر می‌آید بدنه دولت و اعضای کابینه اساساً به تعاون اعتقادی ندارند!

○ تعاون یک روحیه خاص می‌خواهد و فرد باید خود تعاونگر باشد عاشق تعاون باشد همانند پرستاری که باید عاشق مریض باشد تا بتواند از عهده وظیفه خود برآید حال هر چه هم دوره آموزش پرستاری دیده باشد.

کسانی هستند که هم در س تعاون را خوانده‌اند و هم تعاونی را بلدند اما اعتقادی بدان ندارند خوب این چه مقوله تعاونی است.

■ آقای دکتر وضعیت عمومی اقتصاد کشور تا چه حد در نهادینه شدن تعاونی نقش دارد؟

○ من فکر می‌کنم بازار و رواج سود پرستی مهم‌ترین نقش تخریبی را داشته و کسانی که در تعاونی‌ها مشغول به کار

از نبودنش است. اما این طور که پیش می‌رود نمی‌تواند خودش و عملکردش را توجیه کند.

تعاون بدون مشارکت مردم میسر نمی‌شود حتی اگر دولت هم حامی آن باشد.

■ به نظر شما مهم‌ترین وظیفه وزارت تعاون در حال حاضر چیست، آیا شما پشتوانه فکری را پیشنهاد می‌کنید و یا مشارکت در بین اعضاء را؟

○ در درجه اول مشارکت فکری اعضاء و بعد سرمایه. به خلاف آن چه که تبلیغ می‌شود سرمایه در درجه بعدی قرار دارد. من فکر می‌کنم سرمایه را بعداً هم می‌توان فراهم کرد و تعاونی ایجاد کرد ولی معلوم نیست به نتیجه برسد. اهدافش تحقق پیدا کند یا در پاره‌ای موارد بخش خصوصی است در قالب تعاونی که اساساً بی‌معناست.

با قوام بخشیدن به بخش تعاون می‌توان به زمانی فکر کرد که تعاونی‌ها اوراق مشارکت منتشر کنند. وزارت تعاون باید تعاونی‌های موفق را شناسایی کند و علل موفقیت آنها را بررسی کرده و به مدیران تعاونی‌ها فرصت دهد تا به مقامات بالاتر برسند. به عنوان مثال چرا نباید این افراد مقامات بالا در وزارت تعاون را اشغال کنند و مثلاً به عنوان مشاور، مدیر، مدیران کسل، در تصمیم‌گیری‌هایشان شرکت کنند. اما متأسفانه سطح اکثر مدیران تعاونی‌ها پایین است اما باید کمک کرد تا این افراد از سطح سوادشان ارتقاء پیدا کنند.

■ جناب دکتر روند اقتصاد جهانی نشان دهنده رشد سریع خصوصی سازی است آیا با این شرایط شما تعارضی بین اقتصاد تعاونی و خصوصی نمی‌بینید و آیا اقتصاد تعاونی به بن بست نمی‌رسد؟

○ نکته‌ای که شما بدان اشاره کردید واقعی نیست در کشورهای صنعتی اقتصاد آنها با خصوصی سازی پیش نمی‌رود.

آلمان، آمریکا، سوئد، نروژ، فرانسه، انگلیس و ... اقتصادشان به ویژه از نظر اشتغال وابسته به تعاونی است.

■ جایگاه تعاونی در کشورهای صنعتی چگونه است؟

○ بستگی به کشور دارد. بخش خصوصی تنها در یک محدوده معین می‌تواند حرکت کند هر جا سودش بیشتر باشد سرمایه‌اش را به آن سمت می‌فرستد. شما فکر می‌کنید کشور می‌تواند با این فکر توسعه پیدا کند؟ در شرایطی که همه سرمایه‌ها به سمت بساز و بفروشی و دلالی می‌رود.

آیا آن بخشهایی که سود کمتر دارد مفید نیست آنجایی که بخش خصوصی از لحاظ سود جلو نمی‌رود آیا تعاون نیاز نمی‌تواند داخل شود. چرا که تعاون بخش عظیمی را تشکیل می‌دهد. متأسفانه بسیاری از روستاها در ایران خالی شدند چرا که به شکل تعاونی درنیامدند. از نظر من جایگاه تعاون خیلی پر اهمیت است.

در کشورهای اسکاندیناوی، فرانسه و آمریکا تعاون جایگاه ویژه‌ای دارد البته در آمریکا تعاون در اقتصاد خیلی رشد نکرده بلکه یک روحیه تعاون وجود دارد و نیکوکاری زیاد است چون سازمانهای نیکوکار با تعاونی به هم خیلی نزدیکند فقط تفاوتشان این است که تعاونی باید سود ببرد اما در مؤسسات نیکوکاری خدمات می‌دهند و حتی گاهی ضرر هم می‌کنند. اما چون هر دو حداکثر سود را دنبال نمی‌کنند خیلی به هم نزدیکند.

■ تعاونی‌های ما چه تجربیاتی می‌توانند از تعاونی‌های خارجی بگیرند؟

○ ما ابتدا باید در درجه اول از خودمان شروع کنیم. بعضی تعاونی‌ها جنبه مذهبی بیشتری دارند در کشورهای خارجی پزشکی تعاونی وجود دارد آدمهایی بودند که نزد مردم بسیار محترم بودند و مردم می‌گفتند که ما هر چه داریم از آنها داریم. حسابها بسیار دقیق است و

جلوی سوءاستفاده‌ها گرفته می‌شود. ما می‌توانیم از این تعاونی‌ها استفاده کنیم و تجربه‌های مثبت و منفی آنها را جمع آوری کنیم و آموزش دهیم و آن را در تشکیل تعاونی‌ها رعایت کنیم که به شکست منجر نشود.

■ آیا می‌توان بین تعاون و روند جهانی شدن که در حال وقوع است رابطه‌ای ایجاد کرد؟

○ ما تعاونی‌هایی در جهان داریم که برای این کار تشکیلات جهانی دارند. اگر تعاونی‌ها در ایران فعال بودند، ۵۰ هزار روستا در ایران خالی نبودند. تعاونی به نفع خرده پاهای و کوچکهاست و روند جهانی شدن به خصوصی سازی دولتی صدمه می‌زند اما به تعاونی نمی‌تواند چرا که تعاونی انعطاف زیادی دارد. تکنولوژیهای زیادی را می‌تواند به کار گیرد چون از زاویه‌ای نگاه می‌کند که حداکثر سود مد نظرش نیست. تعاونی تلاش می‌کند سود سرمایه می‌برد تا بتواند زندگی کند و هدفش آزمندی نیست.

با این حال تعاونی در ایران فعال نیست چون مسئولین ما می‌خواهند بگویند یا دولتی یا خصوصی این یک توطئه ملی است در صورتی که در قانون اساسی تعاون پیش بینی شده اما طرفداران بخش دولتی می‌خواهند از طریق کنترل مصرف و تولید ... کوچکها را از بین ببرند.

در حالی که در جهان تعاونی‌ها تشکل جهانی دارند. چرا در ایران منعکس نمی‌شود، چرا نویسنده‌ها کم می‌نویسند، چرا اساتید کم تدریس می‌کنند این نشان می‌دهد که یک مبارزه عمیق و پوشیده در کار است. در برخی کشورها اگر اقتصاد تعاونی نباشد چرخه اقتصادشان حرکت نمی‌کند مثل اندونزی، مالزی، ژاپن، سنگاپور. تعاونی به داد کسانی می‌رسد که تولید کننده کوچک هستند و یا مصرف کننده کم درآمد.